



ضرورت مقررات‌گذاری ارزش‌های دیجیتال و تبیین موانع ساختاری

محمد بابایور^۱، امیر جوادی^{۲*}

۱. استاد، گروه حقوق خصوصی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

پیچیدگی حوزه ارزش‌های دیجیتال سبب شده است تا بسیاری از کشورها، همانند ایران نتوانند موضع‌گیری مناسبی برای قانون‌گذاری داشته باشند. لذا با توجه به واقعیت انکارناپذیر این‌گونه ارزش‌ها و تأثیری که بر اقتصاد ملی دارند، به نظر می‌رسد اگر مقررات‌گذاری در این حوزه به خوبی صورت نگیرد، ارزش‌های دیجیتال به عنوان وسیله‌ای برای ارتکاب جرایم مختلف، از جمله پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم یا فرار مالیاتی استفاده شوند. همچنین وجود برخی موانع، امر مقررات‌گذاری را در این حوزه به سختی میسر می‌کند که ناشناخته بودن معامله‌گران و بهره‌مندان ارزش‌های دیجیتال را می‌توان به عنوان یکی از آنها نام برد؛ با این وجود، به نظر می‌رسد دولت می‌تواند با ملاحظه سیاست‌های پولی و مالی و همچنین موارد مؤثر در اقتصاد ملی به تنظیم‌گری در این حوزه اقدام نماید. در این مقاله سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود که آیا به منظور فعالیت ارزش‌های دیجیتال، باید برای کنترل و نظارت، به مقررات‌گذاری اقدام کرد یا وضع قانون؟ دلایل و ضرورت مقررات‌گذاری در این حوزه نیز به‌عنوان مسأله بعدی مورد ارزیابی و چالش قرار خواهد گرفت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳-۲۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

Amirjavadi41@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۱

واژگان کلیدی:

ارز دیجیتال، الزام، تنظیم‌گری، دولت، مقررات‌گذاری.

openaccess



مقدمه

ارزهای مجازی از زمان ظهور خود دغدغه‌هایی بسیار را برای دولت‌ها و واضعان قانون ایجاد کرده‌اند، زیرا معاملات این‌گونه ارزها، استعداد خوبی برای ارتکاب جرایم مختلف مرتبط با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم دارد. از طرف دیگر، سیستم غیرمتمرکز این‌گونه ارزها موجب شده است دولت‌ها و بانک‌داری ملی و بین‌المللی، با احساس خطر از تسلط آنها به بازار، در برابر این بحران، که در نهایت، به افول بانکداری منجر می‌شود، قد علم کنند. ارزهای دیجیتال در بستر بلاک‌چین^۱ به منظور حمایت از حقوق معامله‌گران برای انجام معاملاتی امن و با سرعت ایجاد شده است. به عبارت دیگر، محیط بلاک‌چین با طراحی منحصر به فردی که در تأیید و تثبیت معاملات و تراکنش‌های صورت‌گرفته دارد، امکان هر گونه تقلبی را به حداقل می‌رساند. ویژگی‌هایی از این قبیل، موجب شده است که استفاده از بلاک‌چین به عنوان یک اولویت مطرح شود. باید اذعان داشت که هر تکنولوژی در ابتدای ظهور به ابزاری برای قانون‌گریزی تبدیل می‌شود، ولی به مرور، که شناخت و تسلط متخصصان این حوزه نسبت به جنبه‌های مختلف تکنولوژی اخیرالظهور زیاد می‌شود، تهدیدهای آن به فرصت تبدیل می‌گردد. (Weinstein et al, 2019: 1) در رابطه با ارزهای دیجیتال نیز این امر مستثنی نیست؛ به نحوی که می‌توان از امکانات منحصر به فرد آن به بهترین نحو استفاده کرد. با این حال، به نظر می‌رسد برای تنظیم رفتار معامله‌گران و تخمین تأثیر آن در اقتصاد ملی، نیازمند آن هستیم که در این عرصه اقدام به مقررات‌گذاری شود. از آنجایی که بسیاری از جوانب آن همچنان برای قانون‌گذار، مخفی بوده و به دلیل پیچیدگی‌های این حوزه، شناخت آن به سادگی میسر نمی‌شود، لازم و ضروری است که قبل از قانون‌گذاری، با تنظیم‌گری مناسب، مقررات‌گذاری شود، سپس نوبت به قانون‌گذاری برسد.

۱- تفاوت مقررات‌گذاری با قانون‌گذاری و تأثیر آن بر فعالیت

ارزهای دیجیتال

فعالیت ارزهای دیجیتال در عرصه اقتصادی تأثیر گذاشته و ممکن است کاهش ارزش پول ملی را موجب شود و در شرایطی نیز احتمال ایجاد تورم را نیز دارد. بنابراین، مقررات‌گذاری اقتصادی باید به نحوی صورت گیرد که این گونه فعالیت‌ها دارای چهارچوبی گردند که اقدامات فعالان این حوزه در راستای اهداف اقتصادی دولت باشد. (Heller & Truman, 2017: 59) مقررات‌گذاری اقتصادی را چنین تعریف کرده‌اند که: «مقررات‌گذاری نوعی دخالت دولت در تنظیم، هدایت و کنترل نظام بازار با ملاحظه تضمین منافع عمومی بر اساس اصول و قوانین حاکم است.» (رستمی، ۱۳۹۷: ۹۵) این اصطلاح، در ادبیات اقتصادی عموماً رگولاسیون عنوان شده است، که تنظیم‌گری نیز نامیده می‌شود. تنظیم مقررات، یکی از انواع مداخلات دولت است که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار بنگاه‌ها و افراد در بخش خصوصی انجام می‌شود (جی.باربر، ۱۳۷۰: ۲۲۲)؛ البته در ادبیات اقتصادی و حقوقی، تعریفی ثابت از مفهوم تنظیم مقررات وجود ندارد. برخی محققان با ارزیابی تعاریف گوناگون از مفهوم تنظیم مقررات تلاش دارند تا در یک قالب طبقه‌بندی شده شرایط لازم برای انجام مطالعات تحلیلی بیشتر را فراهم آورند (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۷۳). همچنین برخی محققان از ارائه تعریفی دقیق از مفهوم تنظیم مقررات اجتناب می‌کنند. با این حال، در بیشتر مطالعات انجام شده این حوزه، تنظیم مقررات چنین تعریف شده است: «تلاش دولت به منظور کنترل تصمیم‌های بخش خصوصی» یا «اعمال قوانین و مقررات از سوی دولت و گذاشتن ضمانت اجرایی بر این قوانین». (موریس و فیلیس، ۱۳۸۵: ۲۰۳)

تنظیم‌گری، به عنوان یک تأسیس حقوقی، با وجود استفاده رایج از آن در ادبیات حقوق عمومی و اداری، دارای ابهاماتی قابل توجه در محتوا و قلمرو به نظر می‌رسد؛ تا حدی که در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های حقوقی معتبر و نسبتاً جامع و حتی

نمی‌تواند قانون جامع و مانعی وضع کند از طرف دیگر هر اقدام قانون‌گذاری ممکن است آسیب جدی به اقتصاد کشور وارد کند. لذا مقررات‌گذاری (تنظیم‌گری) فعالیت اقتصادی ارزش‌های دیجیتال؛ به نحوی که دولت با توجه به سیاست‌های پولی و مالی کشور در این رابطه دخالت کند بسیار بهتر از قانون‌گذاری است. بعد از گذشت زمان و تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای این‌گونه ارزش‌ها، می‌توان تصویب قانونی کامل در این راستا را از نهاد قانون‌گذاری انتظار داشت.

یکی از مراجعی که نقشی بسیار مهم در تنظیم‌گری فعالیت‌های اقتصادی ارزش‌های دیجیتال می‌تواند داشته باشد، بانک مرکزی است، که تحت نظارت دولت عمل می‌کند و در اجرای سیاست‌های اقتصادی کشور مؤثر است، زیرا بانک یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند با دخالت در سیاست‌های اقتصادی، آن را تنظیم کند. (باترینز، ۱۳۸۹: ۱۵۵؛ خاندوزی، ۱۳۸۹: ۴۲) همان‌طور که در سال ۱۳۹۷ بانک مرکزی با ارائه سندی به عنوان «الزامات و ضوابط فعالیت...» اقدامی مهم در راستای مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری فعالیت‌های حوزه ارزش‌های دیجیتال انجام داد.

۲- علت دخالت دولت در تنظیم‌گری مقررات استفاده از ارزش‌های

دیجیتال

ارزش‌های دیجیتال به دلیل مزایایی که دارند جذب کاربر و سرمایه‌گذار را موجب شده‌اند. برخی مزایای این‌گونه ارزش‌ها، که برای کاربران و سرمایه‌گذاران جذابیت استفاده و سرمایه‌گذاری را ایجاد کرده است به شرح ذیل می‌باشد:

- پایین بودن هزینه‌ها و پرداخت‌ها؛

- پایین بودن ریسک استفاده برای تجار؛

- ایجاد گمنامی برای کاربران؛

- افزایش سرعت و سهولت انتقال و پرداخت؛

- کاهش وابستگی به ساختار دولتی و عدم تأثیرپذیری از برخی

فشارهای تورمی؛ (Tu & Meredith, 2015: 282)

- امکان ذخیره و نگهداری توسط خود فرد، بدون نیاز به

جدید نیز به عنوان یک اصطلاح حقوقی مستقل به آن پرداخته نشده است. به سخن دیگر، مشکل بیشتر در جایی است که این مفهوم، به عنوان الگو، مکانیسم و ابزار حقوقی خاص در اداره امور به وسیله بخش عمومی به کار گرفته می‌شود. (یاوری، ۱۳۹۳: ۶۳۲)

قانون‌گذاری به مفهوم عام، در ادبیات حقوقی به وضع قانون توسط مجلس شورای اسلامی گفته می‌شود؛ هر چند این مجلس ممکن است با مشارکت قوای دیگر نیز به وضع قانون اقدام کند، ولی وظیفه اصلی و اختصاصی مجلس قانون‌گذاری، وضع مقرراتی برای نیازهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۳۰/۲) با این تعاریف و رویکردهای گفته‌شده، می‌توان تفاوت میان مقررات‌گذاری (تنظیم‌گری) و قانون‌گذاری را کشف کرد:

- مقررات‌گذاری (تنظیم‌گری) توسط دولت انجام می‌شود و بر اساس سیاست‌های مختلف می‌تواند ویژگی‌هایی متفاوت داشته باشد، ولی قانون‌گذاری توسط مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد؛

- مقررات‌گذاری دارای انعطافی بیشتر نسبت به قانون‌گذاری است، زیرا قوانین وضع‌شده به سختی و در بازده زمان طولانی تغییر می‌کند، لکن سیاست‌های دولت می‌تواند روند مقررات‌گذاری را مدت زمان‌های کوتاه تغییر دهد. به عنوان مثال، ممکن است دولت برای جلوگیری از نوسانات ارزی، اقداماتی به روز و سریع را انجام دهد؛

- گاه وضع قانون، ایجاد رویه‌ای جدید و مبنایی است، اما مقررات‌گذاری تنظیم رفتارهایی است که ممکن است از سابق وجود داشته، فقط سیاست‌های دولت در برهه زمانی خاص، روند مقررات‌گذاری را تغییر می‌دهد.

با توجه به ماهیت پیچیده ارزش‌های دیجیتال و عدم تصویب قانونی جامع و کامل، حتی در کشورهای پیشرفته، به نظر می‌رسد قانون‌گذاری در عرصه فعالیت این‌گونه ارزش‌ها در شرایط فعلی امکان‌پذیر نباشد، زیرا قانون‌گذار بدون هیچ سابقه‌ای از فعالیت این‌گونه ارزش‌ها و شناخت کافی از زوایای مختلف آن

واسطه‌هایی همچون بانک؛

باید اذعان داشت که هر چند ارزشهای دیجیتال، به عنوان "ارز" شناخته شده‌اند، ولی بیش از آن که کاربران این گونه ارزشها از آنها برای خرید و فروش کالا یا در معاملات از این گونه ارزشها استفاده کنند، عموماً با خرید آنها به فکر سرمایه‌گذاری هستند. به گواهی یکی از سایت‌های معروف مرتبط با بیت‌کوین، بیش از نیم میلیون دلار از هر میلیون دلاری که برای خرید بیت‌کوین هزینه می‌شود، وارد چرخه خرید و فروش یا معاملات نمی‌گردد، بلکه خریداران به فکر نگهداری این ارزشها، به عنوان یک سرمایه‌گذاری هستند تا همانند طلا و دیگر فلزات گران‌بها، هنگام افزایش قیمت بتوانند از فروش آنها، سودی مناسب کسب کنند. (Tu & Meredith, 2015: 292) ماهیت دوگانه ارزشهای دیجیتال هم به عنوان کالای سرمایه‌گذاری به کار می‌روند و هم وسیله پرداخت محسوب می‌شوند، روز به روز بر جذابیت آنها افزوده است، که این دوگانگی را می‌توان مهم‌ترین مزیت این گونه ارزشها عنوان کرد.

علاوه بر این موارد، می‌توان به فراملی بودن این گونه ارزشها نیز به عنوان یک مزیت اشاره کرد؛ از آن جایی که مرزی مشخص برای تعیین وابستگی ارزشهای دیجیتال وجود ندارد یا به عبارت دیگر، هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی باشد که برخی ارزشهای دیجیتال، همانند بیت‌کوین متعلق به او است. همین امر موجب شده است که عدم وابستگی این گونه ارزشها به دولت یا کشوری خاص، امکان پذیرش و مبادله آنها را در سراسر دنیا امکان‌پذیر سازد؛ به نحوی که در هر کجای دنیا امکان دسترسی به اینترنت میسر شود، امکان مبادله و معامله این گونه ارزشها نیز وجود خواهد داشت که این مسأله نیز از جمله مزایای دیگر است که می‌تواند به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد برخی ارزشهای مجازی رایج، همانند بیت‌کوین مطرح شود؛ هرچند این ویژگی می‌تواند به عنوان ابزاری برای پول‌شویی نیز مطرح گردد، زیرا به راحتی می‌توان در کشوری با تبدیل پول به ارز دیجیتال و فروش آن در کشوری دیگر، نوعی پول‌شویی نیز انجام داد. در سال ۲۰۱۲ اداره اف‌بی‌آی آمریکا تحقیقاتی

گسترده راجع به بیت‌کوین انجام داد که در نتیجه آن، مشخص شده بود بیت‌کوین، ارزی است که از آن مجرمین برای پول‌شویی استفاده می‌کنند. این تحقیقات نشان می‌داد اگر بیت‌کوین، به عنوان یک ارز دیجیتال مورد محبوبیت قرار گیرد، وسیله‌ای مفید برای فعالیت‌های غیرقانونی خواهد بود. به همین دلیل، اف‌بی‌آی به مقام‌های قضایی هشدار داده بود که چون این ارز دیجیتال از سیستم متمرکز پیروی نمی‌کند، قابلیت کنترل و رهگیری نخواهد داشت. لذا افرادی که از طریق این ارز دیجیتال، به فعالیت‌های مجرمانه اقدام می‌کنند و طی آن عواید ناشی از فعالیت‌های خود را منتقل می‌نمایند، به راحتی قابل شناسایی نیستند و نمی‌توان آنها را تحت پیگرد قانونی قرار داد.

از طرفی هم قانونی مدون برای برخورد با چنین فعالیت‌هایی وجود ندارد که این امر نیز بر سختی این مسأله می‌افزاید و جذب افراد بیشتر برای انتقال پول‌های کثیف را موجب می‌شود. (Wenker, 2014: 167) به نظر می‌رسد به دلایل امنیتی است که دولت‌ها نمی‌خواهند رقم واقعی پول‌شویی از این طریق مشخص شود. شاید اگر رقم واقعی مشخص شود بسیاری از مجرمین از این شیوه برای پول‌شویی استفاده کنند. از طرف دیگر، به دلیل عدم قابلیت کنترل و تسلط بر این فضا، هر آماري که از آن به دست می‌آید قطعاً قابل اعتماد نخواهد بود.

ارزهای دیجیتال نسبت به پول الکترونیکی، برخی تفاوت‌ها دارند که یکی از این تفاوت‌ها، علاوه بر این که به عنوان تفکیک ماهیت ارزشهای دیجیتال نسبت به پول الکترونیکی به شمار می‌رود، بلکه به عنوان یکی از مزایای ارزشهای دیجیتال نیز مطرح می‌گردد. ارزشهای دیجیتال، نوعی پول الکترونیکی هستند با این تفاوت که، ارزشهای دیجیتال به نسبت پول الکترونیکی از مزایای رمزنگاری برخوردار هستند لذا این مسأله افزایش امنیت ارزشهای دیجیتال نسبت به پول الکترونیکی را موجب می‌شود که در رابطه با مسأله ارزشها به نظر می‌رسد امنیت دارای اهمیت بسزایی است؛ به نحوی که سبب می‌گردد

چنین واسطه‌هایی که در قالب بانک‌ها و مؤسسات مالی فعالیت می‌کنند، وابستگی‌های شدید دارند. از این رو، حذف واسطه‌های مذکور می‌تواند مسیر پول‌شویی، فرار مالیاتی و مواردی از این قبیل را هموار کند؛ هر چند حذف این‌گونه واسطه‌ها بسیاری از هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و سرعت معاملات را بالا می‌برد، ولی در نهایت، حذف واسطه‌های مذکور می‌تواند به اقتصاد ملی و بین‌المللی آسیب جدی وارد آورد. (Omri, 2016: 57) باید اذعان داشت که بانک و مؤسسات مالی، صرفاً به عنوان تسهیل‌کننده روابط مالی و پولی نیستند، بلکه نقش این‌گونه نهادها در اقتصاد ملی و بین‌المللی بسیار فراتر از این موارد می‌باشد، که جنبه‌های مختلف تنظیم‌گری اقتصادی را شامل می‌شود.

الزامات دیگری را نیز می‌توان به این موارد افزود، ولی اهمیت آنها به اندازه موارد گفته‌شده نیست. به عنوان مثال می‌توان به ماهیت فراملی عملکرد ارزهای دیجیتال اشاره کرد که با یک اجماع چندجانبه و تمرکز بر روی یک ارز دیجیتال می‌توان خارج از محدوده سرزمینی اقتصادی ملی برخی کشورها را تحت‌الشعاع قرار داد که این امر نیز می‌تواند به عنوان یک تهدید محسوب شود. این عوامل موجب شده است که بسیاری از کشورهای برای معاملات مبتنی بر ارزهای دیجیتال، اقدامات قانونی وضع کرده و سعی بر آن دارند که بتوانند این‌گونه فعالیت‌ها را تحت کنترل خود درآورند. (جوادی، ۱۳۹۷: ۱۶۸/۲)

در نهایت، می‌توان مزایای انحصاری این‌گونه ارزها را نیز به عنوان کارکرد گسترده استفاده از آنها مطرح کرد که همین امر موجب می‌شود مقررات‌گذاری در این حوزه ضروری باشد، زیرا استفاده گسترده از این‌گونه ارزها بالتبع مشکلات حقوقی در برخی زمینه‌ها در پی خواهد داشت. علاوه بر این، امکاناتی که این‌گونه ارزها برای استفاده‌کنندگان آن به ارمغان می‌آورند دلیلی مهم است که امکان دارد در آینده نزدیک چنین ارزهایی جای خود را به ارزهای سنتی بدهد. (Gareth & Efstathios, 2015: 7) لذا برای حفظ حقوق شهروندان ناگزیر هستیم که نسبت به مقررات‌گذاری در این

کاربران برای سرمایه‌گذاری و استفاده از آن رغبت بیشتری داشته باشند. (4: Gareth & Efstathios, 2015)

دخالت دولت در عرصه مقررات‌گذاری ارزهای دیجیتال به دلیل واقعیت غیرقابل انکار این‌گونه ارزها مهم جلوه می‌کند، زیرا مزایایی که این‌گونه ارزها برای کاربران ایجاد می‌کنند، جذب بهره‌مندان زیادی را سبب می‌شود که ممکن است آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد کنند. به عنوان مثال فرارهای مالیاتی، پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و هزاران اقدامی که ممکن است از کنترل دولت‌ها خارج باشد، توسط این‌گونه ارزها صورت می‌پذیرد. لذا مهم‌ترین علت دخالت دولت در تنظیم‌گری این‌گونه ارزها را باید در تأثیری که در اقتصاد دارد، جستجو کرد.

۳- ضرورت مقررات‌گذاری در عرصه ارزهای دیجیتال

الزامات بسیاری را برای توجیه مقررات‌گذاری در عرصه ارزهای دیجیتال می‌توان عنوان کرد، اما دو دلیل عمده که این ضرورت‌ها را تا حد بسیاری روشن می‌سازد به این ترتیب است: - در معاملات مبتنی بر ارزهای دیجیتال، هویت معامله‌کنندگان ناشناخته است؛ به طوری که طرف‌های معامله با اسامی واقعی خود وارد معامله نمی‌شوند، بلکه عموماً از اسامی مستعار استفاده می‌کنند و برای مخاطبین خود قابل شناسایی نیستند. امکان ایجاد هویت‌های جعلی و ناشناس می‌تواند بسیاری از اقدامات مجرمانه را تسهیل کند؛ به طوری که مجرمین می‌توانند بدون این که شناسایی شوند با استفاده از ارزهای دیجیتال مرادوات مالی خود را انجام دهند یا کالاهای ممنوعه را از این طریق، مورد معامله قرار دهند. در این شرایط، امکان ردگیری اشخاص با هویت واقعی و جریان انتقال پول وجود نخواهد داشت. (Omri, 2016: 56)

- دلیل اصلی دیگر این است که ارزهای دیجیتال برخی واسطه‌های قانونی و نظارتی را از معاملات خود حذف می‌کنند؛ به این صورت که هیچ نهاد قانونی و نظارتی بر فعالیت این‌گونه ارزها نمی‌تواند کنترل داشته باشد. امروزه فعالیت‌های مالی به

این مسأله را باید نوعی از خطرات مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری در حوزه فناوری‌های مرتبط با تکنولوژی‌های جدید عنوان کرد. (Borg & Tessa Schembri WH Partners, 2012: 188)

می‌توان نوع نظارت و استانداردسازی در حوزه بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- ایجاد استانداردهایی که قابلیت همکاری و حفاظت از کاربران نهایی را فراهم می‌کند؛

- اطمینان از حفاظت از افراد آسیب‌پذیر و محافظت از آنها در برابر اقدامات مجرمانه؛

- اقدامات مبتنی بر جذب سرمایه‌گذاری و همچنین ایجاد شیوه‌هایی برای حفاظت از اموال سرمایه‌گذاران در برابر تقلب و سوءاستفاده و فعالیت‌های سهل‌انگانه.

(Borg & Tessa Schembri WH Partners, 2012: 189)

با در نظر گرفتن این موارد، می‌توان گفت اقدامات نهاد قانون‌گذاری باید در راستای تحقق بخشیدن به اهداف بالا باشد نه این که اقداماتی را در جهت نقض حقوق صاحبان این‌گونه ارزها انجام دهد.

شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات لازم به شهروندان نیز می‌تواند یکی از موضوعات مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری در این حوزه قرار گیرد تا از طریق آن، شهروندان نسبت به جنبه‌های مجرمانه چنین فعالیت‌هایی بیشتر آشنا شوند. این امر می‌تواند نوعی "حمایت" تلقی شود که در اثر آن، دولت‌ها با اقداماتی، اطلاعات لازم را برای پیشگیری از جرایم حوزه‌ای خاص به مردم ارائه می‌دهند. برای مثال، می‌توان به بانک‌ها اشاره کرد که هر شهروندی که از دسته چک استفاده می‌کند، می‌داند آثار ناشی از عدم پرداخت مبلغ مندرج در چک، چه آثار و تبعاتی را خواهد داشت. بخشی از این آگاهی، مرهون عرف و اقداماتی است که در جریان فعالیت این‌گونه اسناد تجاری در ذهن مردم ایجاد شده است. پیچیدگی‌های بستر بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال می‌تواند حقوق افراد بسیاری را در این رابطه نقض کند. (Pittman, 2016: 51) علاوه بر این، ضربات سنگینی را بر پیکره اقتصاد وارد می‌کند.

حوزه اقدام کنیم، زیرا با بسط و گسترش استفاده از این‌گونه ارزها در برابر مشکلاتی که پول‌های فیزیکی و الکترونیکی دارند، موجب خواهد شد که در نهایت، ازهم‌گسستگی در عرصه اقتصاد و تجارت ایجاد شود. عدم کنترل رفتارهای مالی و اقتصادی شهروندان، بستری مناسب برای ارتکاب جرایم مختلف مالی فراهم می‌کند که برای کنترل این‌گونه جرایم ناگزیر از مقررات‌گذاری در این عرصه هستیم.

۴- ماهیت مقررات‌گذاری در عرصه ارزهای دیجیتال

مقررات‌گذاری عرصه بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال باید نوعی تنظیم‌گری به شمار رود. این تنظیم‌گری نباید موجب ایجاد محدودیت و مانع بر سر راه توسعه تکنولوژی گردد، بلکه آن چه در این تنظیم‌گری مدنظر قرار خواهد گرفت استفاده از اصول و استانداردهایی است که از طریق آنها بتوان رشد و بالندگی تکنولوژی را در جهت ایجاد زندگی مطلوب تضمین کرد. تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در عرصه فعالیت‌های مبتنی بر تکنولوژی، امری بسیار حساس بوده و ابزارهای دقیقی را برای به سرانجام رساندن می‌طلبد، زیرا هر اقدام اشتباهی می‌تواند به عدم بسط و توسعه تکنولوژی منجر شود. کشورهایی می‌توانند از فرصت‌های تکنولوژی‌های جدید استفاده کنند که بسترهای قانون‌گذاری مناسبی، که به اعتلای تکنولوژی منجر می‌شود را اندیشیده باشند. (Borg & Tessa Schembri WH Partners, 2012: 188)

وسواس در امر تنظیم‌گری ارزهای دیجیتال و بستر بلاک‌چین باید به برخی جنبه‌های نظارتی محدود شود یا بسیاری از موقعیت‌های ایجاد جرم را از بین ببرد نه این که برای تک‌تک اقداماتی که در این حوزه صورت می‌پذیرد مقررات‌گذاری شود، زیرا امروزه یکی از بحران‌های مهم در حوزه کسب و کار، وجود مقررات دست‌وپاگیری است که برای فعالان این حوزه، نه تنها مثرتر نمی‌باشد، بلکه ممکن است به ایجاد محدودیت‌هایی منجر شود که عدم توسعه کسب و کارها را نیز موجب گردد.

استفاده می‌کنند؛ به این صورت که هیچ نهاد مرکزی برای تنظیم رفتارهای نظام‌مند این‌گونه ارزها وجود ندارد. عدم وجود چنین نهادی، موجب می‌شود در شرایطی که به یکی از شهروندان خسارتی از رفتار عده‌ای وارد شود، نتوان از این نهاد مرکزی طلب استرداد کرد. (Tu & Meredith, 2015: 292)

عدم وجود نهاد مرکزی، علاوه بر ناتوانی در پاسخ‌گویی، برخی مشکلات دیگر را نیز به دنبال دارد؛ به این صورت که ممکن است عده‌ای با در اختیار گرفتن روند تولید و فروش ارزهای دیجیتال، به پول‌شویی یا دیگر اعمال مجرمانه اقدام کنند. همین امر، می‌تواند یکی از آسیب‌های ناشی از عدم کنترل فعالیت این‌گونه ارزها در بستر اقتصاد ملی و بین‌المللی باشد. علاوه بر این، عدم وجود نهاد متمرکز مرکزی، امر تنظیم‌گری را نیز با مشکلاتی عدیده مواجه می‌سازد، زیرا عدم وجود این نهاد، عدم تبعیت را نیز به دنبال دارد؛ به طوری که اگر مرجعی نباشد که به رفتارهای تنظیم‌گری نظارت کند و در صورت عدم انجام چنین رفتارها، ضمانت اجرایی مناسب را در پیش بگیرد، پس تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در این حوزه نیز می‌تواند با مشکلات اساسی مواجه شود.

- گمنامی نیز یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند مقررات‌گذاری این حوزه را با چالش‌های جدی مواجه کند، زیرا عدم تشخیص هویت معامله‌کنندگان یکی از عواملی است که می‌تواند ضمانت اجرای ناشی از اعمال مجرمانه را خنثی کند و تا هنگامی که هویت معامله‌کنندگان، به طور دقیق، احراز نشود، نمی‌توان آنها را نسبت به اقداماتی که انجام می‌دهند مورد مؤاخذة قرار داد. (Tu & Meredith, 2015: 292) مثلاً در نظام بانکی برای معاملات و قراردادهای بانکی اصول و قواعدی مشخص شده است که تمکین به آنها می‌تواند یک معامله سالم را رقم زند. در غیر این صورت، کسانی که اقدامات قانونی را رعایت نکنند، از نظر قانون متخلف شناخته می‌شوند و باید مسؤولیت رفتارهای خود را بپذیرند و آثار ناشی از آن را تحمل کنند، ولی در رابطه با ارزهای دیجیتال به دلیل عدم شناسایی هویت معامله‌کنندگان، امکان این که افراد مذکور

کشورهای اتحادیه اروپا استفاده از این‌گونه ارزها را به دلیل فرارهای مالیاتی که ممکن است از طریق آنها صورت پذیرد برای کشورها بسیار مخرب عنوان می‌کنند. (Irina Gennadyevna Cvetkova, 2018: 2)

هـ مشکلات پیش روی مقررات‌گذاری در حوزه ارزهای دیجیتال

قبل از بررسی مشکلات مقررات‌گذاری ارزهای دیجیتال، لازم می‌باشد این مسأله عنوان شود که همه ارزهای دیجیتال به مقررات‌گذاری نیاز ندارد. به عبارت دیگر، برای این که ارز دیجیتالی موضوع مقررات‌گذاری قرار گیرد، باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ارز موضوع مقررات‌گذاری باید به عنوان وسیله مبادله پذیرفته شده باشد؛
- به عنوان یک واحد حساب باشد؛ به طوری که امکان مقایسه هزینه کالا و خدمات میان تجار و در بازه زمانی مشخص وجود داشته باشد؛
- معتبر بوده و با گذشت زمان ارزش خود را حفظ کند. (Gareth & Efstathios, 2015: 7)

از نظر حقوقی، یک ارز دیجیتال با جمع شرایط بالا، می‌تواند موضوع مقررات‌گذاری قرار گیرد، به عبارت دیگر، با تجمع شرایط بالا، ارز دیجیتال معتبر تلقی و طرف مقررات‌گذاری محسوب می‌شود.

چندین مسأله اساسی وجود دارد که مقررات‌گذاری در حوزه ارزهای دیجیتال را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. این مشکلات ابعادی مختلف دارند که برخی از آن، به محیط دیجیتال مربوط می‌شود و برخی دیگر، به بسترهایی مربوط است که حتی با وجود قانون نیز نمی‌توان برای مسائل آن حوزه چاره‌ای اندیشید. برخی از مشکلات ناشی از قانون‌گذاری در حوزه ارزهای دیجیتال عبارتند از:

- عدم وجود نهاد مرکزی برای انتساب مسؤولیت‌های ناشی از اعمال مجرمانه: ارزهای دیجیتال از یک سیستم هم‌تا به هم‌تا

به قانون تمکین نکنند بسیار زیاد است. همین امر، نیز الزام این افراد به برخی مقررات قانونی را با این بحران مواجه می‌سازد، که آیا در صورت وضع قانون، افراد خود را به اجرای آن ملزم خواهند کرد؟

۶- تحلیل سند الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزارزها در کشور

یکی از اسنادی که بانک مرکزی نسبت به انتشار آن اقدام نموده است با عنوان "الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزارزها در کشور" می‌باشد. این سند در تاریخ ۹۷/۱۱/۸ تهیه شده است. در این سند، به نوعی سیاست‌گذاری‌های دولت ایران در خصوص رمزارزها مشخص شده است. برخی جنبه‌های مهم که با مقررات‌گذاری ارتباط مستقیم دارد لازم است در این رابطه ارزیابی شود:

- تعریفی که از رمزارز شده است قابل توجه می‌باشد. در این سند و در قسمت تعاریف، رمزارز چنین تعریف شده است: «رمزارز یک نوع دارایی مالی است که بر بستری دیجیتال، غیرمتمرکز و شفاف به نام زنجیره بلوک موجودیت می‌یابد. این دارایی‌ها می‌توانند در شرایطی کارکرد پولی به خود بگیرند.» یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در حوزه ارزهای دیجیتال، این است که ارزهای دیجیتال بالاخره ارز، کالا، تضمین یا گونه‌ای از هر کدام می‌باشند، زیرا با توجه به رشد و توسعه ارزش برخی ارزها، همانند بیت‌کوین، این ذهنیت ایجاد شده است که بیت‌کوین بیش از این که یک ارز دیجیتال باشد، وسیله‌ای برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. بانک مرکزی اتحادیه اروپا در گزارشی با موضوع ارزهای دیجیتال، که در اکتبر سال ۲۰۱۲ منتشر کرد به این نکته تأکید داشت که ماهیت ارزهای دیجیتال ماهیتی روشن نیست و با استفاده از مقررات کنونی اتحادیه اروپا نمی‌توان از نظر حقوقی برای آن ماهیتی مشخص در نظر گرفت. در این گزارش، از اصطلاح "بسیار غیرشفاف" استفاده شده بود که نشان از عدم تعیین موضع این اتحادیه در رابطه با ماهیت ارزهای دیجیتال بود. با این حال، در این اعلامیه گفته شده بود که ممکن است مقررات

حاکم بر ارزهای دیجیتال بر اساس دستورالعمل اتحادیه اروپا در رابطه با پول‌های الکترونیکی^۱ یا دستورالعمل این اتحادیه در مورد خدمات پرداخت^۲ قرار گیرد. به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران، ماهیت کالا بودن این گونه ارزها را پذیرفته است، زیرا در قسمتی از سند آمده است: «استفاده از رمزارزهای جهان‌روا، به عنوان ابزار پرداخت در داخل کشور ممنوع است.» به عبارت دیگر، ارزهای دیجیتال از منظر بانک مرکزی، نمی‌تواند وسیله پرداخت همانند پول باشد. پس ماهیت آن به عنوان کالایی برای سرمایه‌گذاری نزدیک‌تر است.

- در قسمت "الزامات حوزه رمزارزهای جهان‌روا" آمده است که «در حال حاضر استخراج رمزارزهای جهان‌روا در کشور، به عنوان یک صنعت در نظر گرفته شده و مقررات‌گذاری در این حوزه از حیثه وظایف و نظارت بانک مرکزی خارج است.» صنعتی تلقی کردن استخراج رمزارزها نشان از آن دارد که دولت اطلاعات کافی نسبت به دیگر حوزه‌های فعالیت و تأثیرات اقتصادی این گونه استخراج ندارد، زیرا به دلیل استفاده زیاد از انرژی برق به منظور استخراج ارزهای دیجیتال، مقررات‌گذاری آن را از بانک سلب کرده است. عدم تبیین لازم در این رابطه، نشان از آن دارد که دولت و نظام قانون‌گذاری هنوز به اطلاعات کافی نسبت به قانون‌گذاری در این حوزه نرسیده است، زیرا در صورت اطلاعات لازم و کافی نسبت به تمام جوانب استفاده از رمزارزها، میان استخراج و سایر فعالیت‌های اقتصادی ارزهای دیجیتال تفکیک قائل نمی‌شود. این مسأله نشان می‌دهد که دولت هنوز نتوانسته است از مزایای ارزهای دیجیتال به خوبی بهره‌مند شود و الا صنعتی تلقی کردن استخراج، هیچ فایده‌ای جز افزودن بر پیچیدگی فعالیت‌های مرتبط با ارزهای دیجیتال ندارد.

نتیجه‌گیری

اندیشمندان حوزه حقوق و فناوری بر این عقیده استوار هستند که مقررات‌گذاری و ضابطه‌مند کردن استفاده از ارزهای

1. The Electronic Money Directive, 2009
2. The Payment Services Directive, 2007

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش به‌طور مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

دیجیتال نباید در جهتی پیش برود که به حذف استفاده از این‌گونه ارزش‌ها منجر شود، زیرا بسترهای اقتصادی و اجتماع کنونی، استفاده از آنها را به دلیل مزایایی که دارد، ناگزیر ساخته است. از این رو، مقرراتی مناسب، که بیشتر جنبه حمایتی و نظارتی دارد، باید وضع گردد تا بر این اساس بتوان از مزایایی که چنین ارزش‌هایی دارند استفاده کرد و تهدیدهای ناشی از این‌گونه ارزش‌ها را کنترل کرد.

اقتصاد و تجارت، به عنوان ابزاری برای اقدامات خصمانه شده است؛ به طوری که به نظر می‌رسد عصر جنگ و تسلیحات نظامی رو به پایان است و جنگ‌هایی از نوع اقتصادی و تجاری را شاهد هستیم. به همین علت، دولت‌ها نمی‌توانند به راحتی ارزش‌های دیجیتال را، که می‌تواند در اقتصاد و تجارت مؤثر باشد، را حذف کنند، زیرا این امر، خود نوعی شکست قبل از هر حمله‌ای خواهد بود.

با جمع مطالب گفته شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مقررات‌گذاری در عرصه ارزش‌های دیجیتال باید در قالب تنظیم‌گری باشد تا در این راستا، حقوق مصرف‌کننده، سرمایه‌گذار و اقتصاد در بعد ملی بتواند تأمین شود. ممنوعیت استفاده از ارزش‌های دیجیتال، آثاری مخرب بر اقتصاد خواهد داشت، زیرا در عصر کنونی اقتصاد ملی در بسیاری از جنبه‌ها به اقتصاد بین‌الملل وابسته می‌باشد. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این مسأله ممکن است بعد از مدتی کشورهای را که به ممنوعیت فعالیت‌های مبتنی بر ارزش‌های دیجیتال اقدام کرده‌اند، به طور منفعل عمل کرده و با هر تغییر در سطح بین‌المللی، اقتصاد ملی نیز تحت الشعاع آن قرار گیرد. علاوه بر این، استفاده از ارزش‌های دیجیتال این فرصت را ایجاد می‌کند که تحریم‌های اقتصادی هر روز کمرنگ‌تر شده و وابستگی به ارزش‌هایی مانند دلار و یورو روز به روز کاسته شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

perspective», Elsevier BV. URL: 10,2139/ssrn. 2646618;

منابع و ماخذ

الف. منابع فارسی

- Heller, Daniel & Truman, Edwin (2017). *International Financial Regulatory Cooperation and Digital Currencies*, 18 Geo. J. Int'l Aff;
- Irina Gennadyevna Cvetkova (2018). «THE PROBLEMS OF LEGAL REGULATION OF VIRTUAL CURRENCIES IN EU», *EUROPEAN RESEARCH*, OLIMP, 44, Published in: 2018, URL: 10.20861/2410-2873-2018-44-003;
- Omri, Marian (2016). «A Conceptual Framework for the Regulation of Cryptocurrencies», *University of Chicago Law Review Dialogue*, 82, Pp. 65-99;
- Tu, Kevin V. & Meredith, Michael W. (2015). «Rethinking Virtual Currency Regulation in the Bitcoin Age», *Washington Law Review*, 90, No. 1, Pp. 43-68;
- Virtual Currency Schemes October (2013). European Central Bank
https://www.ecb.europa.eu/pub/pdf/other/virtual_currencyschemes_201210_en.Pdf;
- Weinstein, Jason; Cohn, Alan & Parker, Chelsea (2019). *The Blockchain Alliance, Promoting innovation through education: The blockchain industry, law enforcement and regulators work towards a common goal*, Publisher Rory Smit;
- Wenker, Nicolas (2014). «Online Currencies, Real-World Chaos: The Struggle to Regulate the Rise Bitcoin», 19 Tex. Rev. L. & Pol. 145, Pp. 126-154.
- بآترینز، آرمنداریز (۱۳۸۹). *توسعه مالی و رشد اقتصادی*، ترجمه ناهید پوررستمی و محمود مشهدی احمد، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران؛
- جوادی، امیر (۱۳۹۷). *حقوق تجارت بین الملل*، چاپ اول، تهران: حقوق یار؛
- جی. باربر، ویلیام (۱۳۷۰). *سیر اندیشه های اقتصادی*، ترجمه حبیب الله تیموری، چاپ اول، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۹). «الزامات دولت تنظیم گر در اقتصاد ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، (۶۴): ۴۲ - ۶۵؛
- رستمی، ولی و تقوایی، محمدرضا (۱۳۹۷). *حقوق تنظیم مقررات بیمه های تجاری*، چاپ اول، تهران: خرسندی؛
- موریس، چارلز و فیلیپس، اون آر (۱۳۸۵). *تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد (اقتصاد خرد)*، حسن سبحانی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران؛
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ هجدهم، تهران: میزان؛
- یآوری، اسدالله (۱۳۹۳). «درآمدی بر مفهوم تنظیم گری حقوقی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵ (۲): ۶۳۲ - ۶۵۸؛
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۶). *نظام اقتصاد علوی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. منابع انگلیسی

- Ashley, Pittman (2016). «The Evolution of Giving: Considerations for Regulation of Cryptocurrency Donation Deductions», *Duke Law & Technology Review*, 14, Pp. 56-89;
- Borg, Joseph F. & Tessa Schembri WH Partners (2009). «The regulation of blockchain technology», Pp. 98-127;
- Gareth W, Peters & Efstathios, Panayi (2015). «Trends in crypto-currencies and blockchain technologies: A monetary theory and regulation



Necessity of Regulating Digital Currencies and Identifying Structural Obstacles

Mohammad Babapour¹, Amir Javadi^{2*}

1. Professor, Department of Private law, Faculty of Law and Politics, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2. Ph.D of Private Law, Department of Private Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 13-23

Corresponding Author's Info

Email: Amirjavadi41@gmail.com

Article history:

Received: 20 April 2020

Accepted: 06 June 2020

Published online: 21 June 2020

Keywords:

Digital Currency,
Requirement,
Regulating,
Government,
Ruling.

ABSTRACT

The complexity of the domain of digital currencies has caused many countries like Iran to have a proper position to regulate. Accordingly, with the undeniable reality of these currencies and the impact on the national economy, the digital currencies are used as a means of committing various crimes, including money laundering, terror financing, or tax evasion. The existence of some obstacles also makes difficulties in ruling in this field including unknown traders and the interest of digital currencies. However, it seems that the government can regulate this area by considering monetary and fiscal policies as well as the effective factors in national economy. In this paper, we are trying to respond in order to control and monitor the activity of digital currencies, whether to act or rule the law? The reasons and necessity of legislation in this area will be evaluated and challenged as the next issue.

openaccess



Cite this article as:

Babapour, M & Javadi, A (2020). "Necessity of Regulating Digital Currencies and Identifying Structural Obstacles". *Legal Thoughts Journal*, 1(1): 13-23.